

<p>ویژه نامهء بزرگ علوی</p>	<p>از آلمان و ایران ... از ایران و ایران</p>
	<p>- تولد گنجینهء بزرگ علوی (به نقل از تارنمای رسمی او) : - کلیشهء جلد کتاب ها : تصاویر ، طرح و نمونهء دستخط : - سخنرانی خانلری و حکمت در نخستین کنگرهء نویسندگان ایران و پاسخ علوی : - یافر مومنی : بزرگ علوی جوان : - دنبوشته از سمود نقره کار (به نقل از «گردون ») : - بزرگ علوی : من زنده می مانم : - بزرگ علوی : من خودم را دانستم می دانم : (</p>
<p>بمناسبت صدمین سال تولد و هفتمین سال خاموشی او</p>	

سخنرانی خانلری و حکمت در نخستین کنگرهء نویسندگان ایران و پاسخ علوی

نخستین کنگرهء

نویسندگان ایران

شماره ۱۳۹
۵۷/۷/۱۴

تیرماه ۱۳۲۵

صورت انضائی که تکثیر دعوت شده بودند

- | | |
|-------------------------|------------------------------------|
| ۱- آقای آذراغلی | ۲۸- بانو زهرا خانلری |
| ۲- آقای اعتماد زاده | ۲۹- آقای دکتر خطیبی |
| ۳- انراشته | ۳۰- علی اکبر دمغدا |
| ۴- عباس اقبال | ۳۱- دکتر دعوی آذرخشی |
| ۵- جلال آبی احمد | ۳۲- بابوزاد |
| ۶- امینی | ۳۳- آقای حسین مسیحی (ادیب السلطنه) |
| ۷- بزرگ نیا دانش | ۳۴- سیاح |
| ۸- بزرگ نیا علی | ۳۵- دکتر شایگان |
| ۹- بهار (مالک التمر) | ۳۶- شکوهی |
| ۱۰- بهروز (ذبیح الله) | ۳۷- شمس |
| ۱۱- بهنبار | ۳۸- شهاب فردوسی |
| ۱۲- پژمان | ۳۹- شهریار |
| ۱۳- پورداد | ۴۰- منوچهر شیالی |
| ۱۴- تھوی | ۴۱- صبیحی |
| ۱۵- توللی | ۴۲- صدارت |
| ۱۶- دکتر جریانی | ۴۳- دکتر صورتگر |
| ۱۷- جلی | ۴۴- طالعی |
| ۱۸- جواهری | ۴۵- طباطبائی |
| ۱۹- چوبک | ۴۶- طبری |
| ۲۰- حالت | ۴۷- علوی (بزرگ) |
| ۲۱- حبیب اللهی | ۴۸- علوی (برنو) |
| ۲۲- حجازی (مطیع الدوله) | ۴۹- دکتر علی آبادی |
| ۲۳- حسرت زاده | ۵۰- فرات |
| ۲۴- علی امیر حکمت | ۵۱- فروزانفر |
| ۲۵- بانو قزوین حکمت | ۵۲- قلمی |
| ۲۶- آقای حسینی شیرازی | ۵۳- فیاض |
| ۲۷- دکتر خانلری | ۵۴- غریب (میرزا عبدالمطیع سان) |

— د —

- | | |
|---------------------------|------------------|
| ۵۵- آقای فخر سان | ۶۷- آقای معینیان |
| ۵۶- میرزا محمد- جان فروغی | ۶۸- میری |
| ۵۷- کذاورد (کریم) | ۶۹- مؤیدنابنی |
| ۵۸- گدای | ۷۰- میلانی |
| ۵۹- کبا | ۷۱- ناصحی (علی) |
| ۶۰- کرکای | ۷۲- نقیسی |
| ۶۱- گلچین | ۷۳- نوآب صفا |
| ۶۲- گامادی | ۷۴- نوشین |
| ۶۳- بانو مهتبه محضری | ۷۵- نبیا |
| ۶۴- مددس رضوی | ۷۶- هدایت |
| ۶۵- مزده | ۷۷- مانی |
| ۶۶- دکتر معین | ۷۸- یقینانی |

برنامه نخستین کنگره نویسندگان ایران

تیر ماه ۱۳۲۵

دستورات کلی مذاکرات کنگره

- ۱ - افتتاح توسط جناب آقای مستشار الدوله .
- ۲ - سخنرانی جناب آقای حکمت در باره نظم معاصر ایران .
- ۳ - سخنرانی آقای دکتر پرویز خاخری در باره نشر معاصر ایران .
- ۴ - سخنرانهای فرعی دوباره اهمیت انتقاد در ادبیات توسط بانود کتر فادله سیاح و آقای احسان طبری .

برنامه

سه شنبه ۴ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر
افتتاح کنگره توسط جناب آقای مستشار الدوله و تبریک ورود به میهمانان و اظهارات جناب آقای وزیر فرهنگ . سخنرانی جناب آقای حکمت در باره نظم معاصر ایران (مدت سه ساعت با یک تنفس ده دقیقه) .

چهارشنبه ۵ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر
بحث در اطراف سخنرانی جناب آقای حکمت (مدت بحث دو ساعت ، هر يك نقره منتهی پانزده دقیقه حق صحبت دارد . پس از آن مدت دو ساعت آثار منظوم قرائت خواهد شد . بترتیب الفباء) .

پنج شنبه ۶ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر
قرائت قطعاتی از شاعران معاصر (برای هر يك از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه . بترتیب حروف الفباء) .

جمعه ۷ تیر ماه ساعت ۷ عصر
کنسرت .

شنبه ۸ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر
سخنرانی آقای دکتر پرویز خاخری در باره نشر معاصر ایران (سه ساعت با یک تنفس بیست دقیقه) .

یکشنبه ۹ تیر ماه ساعت ۶ تا ده عصر
بحث در اطراف سخنرانی آقای دکتر پرویز خاخری (مدت بحث دو ساعت ، وقت سخنرانی برای هر يك منتهی پانزده دقیقه) پس از آن دو ساعت قرائت آثار منظوم بترتیب الفباء .

دو شنبه ۱۰ تیر ماه ساعت شش تا ده عصر
قرائت آثار منظوم بترتیب الفباء (برای هر يك از ۱۵ تا ۲۰ دقیقه) .

سه شنبه ۱۱ تیر ماه ساعت شش تا ده عصر
سخنرانی فرعی توسط بانو سیاح و آقای طبری در باره اهمیت انتقاد در ادبیات (هر يك چهار دقیقه) .
پایان کنگره و نطق های جناب آقای مستشار الدوله و جناب آقای وزیر فرهنگ و دیگران .
تجسس ۱۲ آقایانیکه میخواهند در بحث شرکت کنند و با آثار خود را قرائت نمایند باید قبلا نام خود را در دفتر کنگره ثبت رسانند .

نسخه ای که ما از چهار سخنرانی علی اکبر حکمت ، وزیر فرهنگ وقت ، داریم برخوردار از کیفیت جایی بسیار نامطلوبست و علیرغم تمام تلاشمان ، نتوانستیم آنرا خوانا کنیم و به ناگزیر ، ابتدا جواب علوی به حکمت را می آوریم و پس آنگاه نطق خانلری را در ستایش از علوی .

پس آقای بزرگ علوی پشت تریبون رفتند

يك ایراد بصحبت های آقای خانلری دارم : آقای حکمت اقرار کردند و آقای خانلری هم عمل کردند . آقای حکمت فرمودند من منتقد ادبی نبودم فقط بلكه تاریخچه از شعر فارسی نگفتم و آقایان خودشان باید نتیجه بگیرند . ولی این منظور کنگره نبود .

کنگره باید برای نظم و نشر آینده نتیجه بگیرد . انتقاد من بآقای خانلری بآنچه ایشان فرمودند نیست بلکه انتقاد من آنچه است که ایشان فرمودند .

ما امروز در دنیائی زندگی میکنیم که در هر امری باید نقشه داشت . نقشه در اقتصاد ناپند سال پیش غریب بنظر میآمد ولی امروزه می بینیم لازم است . بقیه من باید در ادبیات هم نقشه داشت . چون نویسندگان رهبران نوینند و باید بدانند چه طور و چگونه جامعه را رهبری نمایند . در ضمن صحبت به شعر هم اشاره میکنم ، چون فرق و فاصله بین اینتر چندین زیاد نیست .

باید بدانیم هنر چه منظور دارد و هنرمند چه وظیفه دارد

شاعر و نویسنده باید احساسات خود را به دیگران القا کند . شاعر احساسات لطیف دارد ، دیگران هم باید بتوانند آنرا درك کنند و استفاده نمایند . شاعر و نویسنده یکطرف و دوطرف دیگر مردم واقع شده اند . دنیای امروز با دیروز فرق دارد .

در گذشته مردم کم و بیش در جهل بودند . فقط در دربار ها بود که شعر و نشر خوانده میشد و طبقه حاکمه ازدانشند ترین مردم بودند .

ولی طبقه حاکمه کنونی شرانش با تروش بستگی دارد و بهتر و شعر و نوشته بی احتیاج است .

امروز قسمت عمده خوانندگان ادبیات و مردم طبقه دوم و سوم تشکیل میدهند امروز بدون آنها هیچ کاری انجام نمیگیرد . باید بدانیم آنها چه میخواهند و آنرا بآنها بدهیم .

شعرا و نویسندگان باید خوانندگان جدید یعنی توده را بیابند . آبا نویسندگان از عهده این عمل برآمده و برمیآیند ؟ خیر ، شعر قدیمتر از شر است مردم اولیه برای ابراز احساسات شعر میگفتند و بعداً نثر برای خواندن و نوشتن بکار آمدند . امروز مقام نثر بالاتر از مقام شعر است . بزرگترین نویسندگان این دوره آثار نثر بجامعه تحویل داده اند .

ادبیات ما هنوز هم اسپر شعر است . هنوز شعر قرب و منزلت دارد به دلیل اینکه امروز یتجاه و اندی نثر شاعر در این جلسه حضور دارند و فقط عده معدودی نویسنده هستند .

اگر توده مردم باید استفاده کنند ، باید دید چه طور احتیاج آنها رفع می شود .

در ضمن شعر گفته شد: شاعر و نویسنده، محصول محیط خودش است. بنا
 بر این تأقیری در توده نباشد کسی نمیتواند آنرا معکوس کند .
 شاعر و نویسنده رهبر جامعه است و باید آنچه ملت نادانسته احساس می
 کند ولی نمیتواند بیان کند او بیان کند و تحویل جامعه دهد .
 شعرا و نویسندگان باید جلو مردم حرکت کنند و مردم را هدایت نمایند
 هنگامیکه بزرگترین شاعر ایران فردوسی درباره وحدت ملی ایران
 و روح ایرانی سخن سرایی میکرد ، هنوز این فکر در خیالنه ایرانی رخنه و
 نفوذ نکرده بود و اگر فردوسی میخواست منتظر باشد تا مردم ایران فکر او را
 بپذیرند ، شاید لازم بود که چندین قرن صبر کند .
 شاعر انقلابی باید افکار خود را به مردم تلقین کند .
 کسانی بودند که بعد از مرگشان آثار شان خوانده شد ، یعنی اینقدر
 جلو مردم بودند .
 راجع به شعر گفته شد: مگر در دوره جدید عشق نیست؟ چرا شاعر راجع
 بآن ننویسد . ولی عشق منحصر بنجبا و شاهزادگان نیست ، عشق بین توده هم
 هست . عشق از زبان توده هم باید نوشته شود .
 لطافت عشق توده کمتر از عشق دیگران نیست . . .

دیگر از بیروان مکتب جمالزاده بزرگ علوی است . يك مجموعه از آثار او بعنوان چهلدهمین در سال ۱۳۱۳ منتشر شد . این کتات شامل شش داستان است . اولی بنام چهلدهمین داستان عاشقانه است که زود رشته آن قطع میشود . دومی «قربانی» نام دارد و داستان جوانیست که بسبب حساسیت فوق العاده مسلول شده است . نویسنده محیط را در این مورد گناهکار می شمارد . خسرو که مرك خود را نزدیک می بیند با دختری که دلباخته اوست ازدواج می کند و در کنار دریای خزر حجله گاهی بدوق و سلیقه ممتاز خود ترتیب می دهد . شب زفاف را در آن خانه میگذرانند . صبح که دوستش با مادر عروس و داماد بآن خانه میرسند دختر را با لباس عروسی در کنار دریا افتاده می بینند و معلوم میشود که صبح زفاف خسرو خود را بدریا انداخته است . داستان باین عبارت ختم میشود : « یکسال بعد فروغ هم بمرض سل مرد . او قربانی هم شد . اینهم قربانی او شد » عروس هزار داماد داستانی است که واقعه آن در یکی از کافه های جدید فرنگی مآبانه میگذرد . شخص اصلی آن موسیقی دانیست که در کودکی آوازی از دختری سوسن نام شنیده و عاشق آن آهنگ شده و همین عشق او را برای تحصیل موسیقی باروفا کشانده و موسیقی دان زبردستی شده اما همیشه در حسرت آن آواز زمان کودکیست . بایران بر میگردد و سوسن را بزمی میگیرد . اما سوسن دیگر آنطور آواز نمی خواند . سوسن عشق میخواست و شوهرش عاشق آواز بود که دیگر نداشت . کار بطلاق میکشد . سوسنگی آوازه خوان کافه میشود . ساز زن که در همان کافه آمدورفت میکند و ساز میزند شبی در حال مستی همان آواز قدیم را از دختر می شنود . آوازی که عمر او را

بهدر داده بود و با این شعر حافظ خوانده میشد :

موجود رستی عهد از جهان سست نهاد
که این عجزه عروس هزار دامادست

قدیمی ترین و برجسته ترین داستان این مجموعه « سرباز سرببی » است که در آن تجزیه حالات روحی مردی غیر عادی است که تقصی جنسی دارد و زنی را دوست میدارد و غیرتی شدید نسبت باو میورزد و عاقبت او را خفه میکند . تجزیه و تحلیل این داستان هم دشوار است و هم فرصت بیشتری میخواهد و باید این فرصت را جای دیگر جست . آخرین حکایت این کتاب بعنوان « مردی که پالتوی شبک تنش بود » لحن انتقاد مزاح آمیز دارد .

بزرگ علوی در ۱۳۱۵ هجری داشتن افکار آزادپخواهانه بحسب اقتضای
 و تا ۱۳۲۰ بیرون نیامد. بعد از رهایی از زندان دو کتاب از آثار او منتشر
 شد، یکی بعنوان «ورق پاره های زندان» که شامل پنج داستان است و دیگری بنام
 «۵۳ نفر» که شرح حوادث گرفتاری و محاکمه و شکنجه های زندان و زندگانی
 او و یاران اوست. داستان های «ورق پاره های زندان» در محبس روی کاغذ قند و
 سیگار و پاکت های مبره پنهانی نوشته شده و همه شرح حال زندانیان با اهل سرگذشت
 ایشانست. از آن میان قطعه «فصل «عنو عمومی» که سالت امید و آری های زندانی
 و ابرهائی و آزادی شرح میدهد و بصورت یادداشت های روزانه زندانی خطاب
 بزن خودش بسیار مؤثر و احساس و زندان است. داستان های «یادنگ» و «رقص مرگ»
 شرح در چنایت است. با آنکه این دو حکایت از حیث اشتقاق و ممکن با هم
 اختلاف دارند، هر دو در یک نکته شبیه اند و آن اینست که جنایتکاران مقصر نیستند
 و مقصر اجتماع است. «انتظار» داستان مجبوسی است که در زندان دیوانه شده
 است و بسیار قوی و مؤثر است.

لحیر از این دو کتاب چند داستان دیگر نیز در سالهای اخیر از علوی در
 مجلات «سخن» و «پیام نو» منتشر شده است که شاید بزودی بصورت کتابی درآید.
 اسلوب انشای علوی با اسلوب هدایت درست یکسان نیست. آن همه
 استعارات و امثال و اصطلاحات نو که در آثار هدایت است در اینجا دیده نمیشود.
 عبارات او روان و ساده و بی تکلف است. همین بی تکلفی گاهی در ساخت
 عبارت او را بسط انگاری و امیدارد. در روایت داستان و پیچ و خم آن استاد
 است. اشخاص داستان او بیشتر از حلقه متوسطه و از آن میان بهتر منداست
 توجه خاصی دارد. در آثار اخیر او بیشتر با افراد طبقات پایین برخوردیم و
 مسائل اجتماعی در این آثار اهمیت بیشتری یافته است. علوی را پس از هدایت
 باید از نویسندگان زبردست مکتب جدید دانست.